

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران صفحه ۴

مجاهد و تمدن؟!

خالد حاج محمدی

همایش اخیر مجاهدین و حضور افراد و محافل دست راستی از دول غربی و مشخصا عناصری از دولت آمریکا به اضافه محافلی از عربستان و اسرائیل در آن و هیاهوی سازمان مجاهدین حول این همایش و برنامه او برای آینده ایران دیدنی است. اعلام برنامه ای ۱۰ ماده ای از جانب خانم رجوی در این همایش در مقام "رئیس جمهور" خودگمارده مجاهدین در سایه و بازی آلترناتیو سازی آنها هم دیدنی است. تاریخ تلاش مجاهدین در چهار دهه گذشته و خصوصا بدنبال بن بست و بهم خوردن "شورای ملی مقاومت" و کناره گیری بنی صدر و سرانجام بیرون آمدن حزب دمکرات کردستان ایران از آن، تاریخ بن بست سیاسی جدی و دوره رکود و عقب نشینی های هر روز و حاشیه ای تر شدن این جریان چه در جامعه ایران و چه در اذهان عمومی است. مجاهدین در کل این تاریخ تلاش کرد به عنوان یک نیروی آماده به خدمت در راستای سیاست دول امپریالیستی و هر دولتی که تخلفاتی با ایران دارد، نقش بازی کند. ... ص ۲

رویدادهای سیاسی هفته

فواد عبداللہی

استعفا کنید! استعفا کنید!

بنگلادش و پاکستان و هند و ... است. رقابتی که لازمه اش ضرب اول تحمیل اختناق و ساعت کار طولانی و طاقت فرسا به میلیونها کارگر "وطنی" است.

استعفا جانسون بار دیگر پوچی و گنبدیگری برکزیست و بورژوازی ملی را نشان داد؛ نمیتوان جزیره ای از ثبات و شکوفایی اقتصادی خارج از مدار جهانی کارکرد سرمایه و کار ایجاد کرد. سرمایه وطن و ملیت ندارد همانطور که کار وطن و ملیت ندارد! سودآوری و شکوفایی سرمایه به نیروی ارزان کار بستگی دارد. به میزان به بردگی کشاندن طبقه کارگر و هجوم به ساخت انسانی این طبقه گره خورده است. وطن سرمایه بریتانیایی در واقع نه در بریتانیا (یعنی جایی که کارگر بریتانیایی به قبول زندگی در استاندارد کارگر چینی و هندی و بنگلادشی تن نمیدهد) بلکه جایی است که در آن اختناق کامل حاکم است؛ جایی که سرشار از استثمار طبقه کارگر و عاری از رفاه و خدمات اجتماعی است. خشت های دولت خانم ترزا می فی الحال یک به یک در حال کنده شدن اند و تباب

از پیامدهای موج برگشت علیه بریکزیت و ناسیونالیسم در جامعه انگلستان، استعفای بوریس جانسون از مقام وزیر خارجه دولت محافظه کار بریتانیا است؛ بار دیگر معلوم شد که مشکل اقتصاد بریتانیا نه ورود بی رویه کالا و کارگر ماهر خارجی است، نه اقتصاد کشورهای مجاور است، نه سیاست پناهنده پذیری این کشور است، بلکه و اتفاقا مشکل کاملا وطنی است. ساخت خود بریتانیا در داخل است. اقتصاد بریتانیا متکی به نیروی کار ارزان میلیونی نیست. در حوزه ای نیست که بتواند سیاست اختناق کامل جهت ارزان کردن نیروی کار را تحمیل کند. این مملکت و کلا اروپا سنت های جان سخت و ریشه داری از مـبـسـارزات سوسیالیستی طبقه کارگر را در خود دارند. دست بردن به حربه ارزان کردن نیروی کار بازی با آتش در این حوزه است. به این اعتبار سرمایه در بریتانیا و در غرب دچار بحران عمیق است چراکه ناتوان از رقابت با چین و

کارگران جهان متحد شوید!

تحمیل در مقابل این "بحران" را ندارند. برای طبقه کارگر، دوران عبور از بریکزیت و عوامفریبی و داعیه های راست افراطی، راست طرفدار اقتصاد ملی است.

هم اکنون موج عظیم برگشت علیه برکزیست در بریتانیا میتواند به یک افق سوسیالیستی مسلح شود. افق جهانشمولی که کمونیستها و طبقه کارگر را در راس تحولات سیاسی در اروپا قرار می دهد و تنها به مرزهای بریتانیا محدود نخواهد ماند. جامعه آمریکا و موج برگشت علیه ترامپ نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ باید منتظر عقب نشینی ها و استعفاهای بیشتر راست افراطی در غرب بود.

بمناسبت

سالروز ۱۸ تیر ۷۸

نوزده سال از ۱۸ تیر ۷۸ گذشت. روزی که به تولد جنبش سرنگونی و شروع پایان دو خرداد مشهور است؛ مرور درسهای آن واقعه کماکان برای کمونیستها، کارگران و مردمی که در خیزش های سراسری دیمه گذشته در ایران وسیعتر از هر زمان دیگر، حکم به سرنگونی جمهوری اسلامی داده اند مهم و حیاتی است. ص ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

مجاهد و تمدن...

موقعیت ویژه این جریان و بی ریشه گی آن در ایران و پرتی و نامربوطی مطلق آن به تحولات این جامعه و سوخت و ساز آن، همراه با ساختار سیاسی و ایدئولوژیک آن به عنوان یک سکت مذهبی عقب مانده، مجاهدین را بیش از پیش به یک فرقه حاشیه ای و فالانژ تبدیل کرد. در این تاریخ رهبران این سازمان به دست بوسی همه محافل امپریالیستی رفته، در مقابل آنها کرنش کرده و تلاش کرده اند توان و ظرفیت ارتجاعی خود و آمادگی کامل سازمان مجاهدین را برای ایفای نقش و عملی کردن طرح های آنها، به این دولت‌ها را بقبولانند.

مجاهد تا امروز آماده ترین نیرو در اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای کرایه دادن نیروی خود بوده است. فالانژیسم بالای این جریان، ظرفیت باند سیاهی آن، ظرفیت ضد اجتماعی و ضد تمدن این جریان، امکانات مالی وسیع و کمک محافل دست راستی به آن، همواره به مجاهد امکان داده است نیرویی را در خارج کشور حول خود جمع کند. با این وصف از هیچ دولت و جریانی، حتی آنهایی که به مجاهد کمک مالی میکنند و این جریان را برای روز مبادا در ترشی خوابانده اند و در اجلاس و نشست های آنها شرکت میکنند، پوشیده نیست که مجاهدین به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی هیچ شانسی ندارد. بر هیچکدام پوشیده نیست که مجاهد برای جامعه ۸۰ میلیونی ایران که چند انقلاب را از سر گذرانده و از

جمهوری اسلامی متنفر است، این جریان هیچ شانسی برای ایفای نقش سیاسی در آینده ایران ندارد. تنها شانس مجاهد ایفای نقش سناریو سیاهی بعنوان "ارتش آزاد ایران"، نسخه "ارتش آزاد سوریه"، است. این راه همه و منجمله سران مجاهد میدانند. پزه های برنامه ده ماده ای و کنفرانس های سیاسی و ... برای خالی نبودن عریضه است.

اما امروز دو فاکتور جدی تغییر کرده و این دو فاکتور هر کدام به نحوی بر مجاهد و امید و آرزوی آن تاثیر گذاشته است. اولین مسئله افزایش تخاصمات هیئت حاکمه آمریکا با ایران و بیرون رفتن ترامپ از توافقات برجام است. این فاکتور همراه با تخاصمات قبلی اسرائیل و بالا گرفتن تخاصمات عربستان با ایران در چند سال گذشته، تبلیغات جنگی دولت ترامپ و هارت و پورتهای این دوره، جنگهای نیابتی در ایران، از کسانال گروه های قومی و مذهبی، خونی تازه در جسم فرتوت مجاهد جاری کرده و این جریان را به تکاپو انداخته است. تلاش این دوره مجاهد برای جلب توجه محافل امپریالیستی و اتکا به هر دولت مرتجع منطقه که به او ماموریتی بسپارد، نه دلیل موقعیت خوب مجاهد، بلکه و بعلاوه کاملاً از سر استیصال و بی آینده گی این جریان است. مجاهد امروز بیش از هر دوره ای آماده است نیرویش به ارزانترین قیمت به خدمت گرفته شود.

محافل غربی و در راس آن افراد و محافل دست راستی در دولت ترامپ و کشورهایایی مانند عربستان، مجاهد و هر

جریان باند سیاهی، قومی و سناریو سیاهی را به عنوان ابزار در خدمت سیاست خود میخوانند. فشار به ایران و اجبر کردن نیرویی چون مجاهد به عنوان سرباز آماده به خدمت، امری جدید در سیاست امریکا نیست و مجاهد نیز این موقعیت را به کرات تجربه کرده است. اما هرچه هست این تنها شانس برای هر فرقه مذهبی و قومی و هر نیروی باند سیاهی از قبیل مجاهد است.

فاکتور دیگر تحركات دیمه و عروج محرومان جامعه علیه فقر و بی حقوقی و استثمار و استبداد است. این تحركات که فضای جامعه ایران را درگرسون کرده و خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را به عنوان تنها راه نجات از این اوضاع در مقابل جامعه قرار داده است، هر چند فاکتوری مناسب برای مجاهدین نیست، اما مجاهد و همراهان او بخواهند یا نخواهند این تحول و دامنه و عمق آن تا امروز مهر خود را به بسیاری از مسائل در این جامعه و حتی به همایش مجاهد هم زده است. اگر در مقابل این تحولات سران جمهوری اسلامی برای نجات خود و تضمین حفظ حاکمیت، مجبور شده اند قدمی هر چند کوچک عقب نشینی کنند و از فشار قوانین مذهبی و ضد زن و استبداد خود، هر چند تاکتیکی بکاهند، مجاهد نیز در این کنفرانس و برای مقبولیت خود لباس تمدن پوشیده است. مجاهد نیز تلاش کرده است رنگ عوض کند و زیر فشار تحولات دیمه ماهیت ضد تمدن و باند سیاهی خود را مخفی کند و با پز متمدن و سکولار کالای بنجل و قدیمی

خود را به بازار عرضه کند. برای مجاهد و بعد از تحولات خاورمیانه و جنایات و توحشی که بر دوش نیروهایی از تیپ مجاهد و با دستور اربابانشان انجام گرفت، باید تا روز موعد لباس عامه پسند و فریبنده ای به تن کرد و این بعد از دیمه دیگر اجتناب ناپذیر شده است. به همین دلیل خانم رجوی لچک به سر و سازمان مذهبی و اسلامی اش مجبور شدند با بیانیه ای ۱۰ ماده ای اندر فواید حقوق زن، حکومت سکولار و لغو حکم اعدام و آزادی های سیاسی، به میدان بیاید و سخن بگویند و قسم بخورند که به اینها پایبند اند. این انتخاب مجاهد نیست، این فشار و قدرت جنبشی است که در امتداد خود همراه با به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ریشه هر نوع جریان مذهبی فالانژ و باند سیاهی چون مجاهد را خشک خواهد کرد. تلاش مجاهد و ادعای تمدن او ابزاری برای ادامه حیات است.

بیانیه ده ماده ای خانم رجوی قرار است دو خاصیت را برای این جریان در تحولات آتی داشته باشد. اول اینکه مجاهد بتواند سر مردم ایران شیریه بمالد و در بازار سیاست خود را به آنها حفته کند. و دوم اینکه جامعه بین المللی مجاهد را نه در قالب یک فرقه مذهبی که تاریخ مصرفش گذشته، بلکه در لباس یک سازمان "متمدن"، "سکولار" و البته آماده خدمت و چاکرمنش به عنوان یک آلترناتیو بپذیرند.

اما خانم رجوی و فرقه همراهش دیر بیدار شده اند. مردم مجاهد را به عنوان یک فرقه مذهبی و ضد اجتماعی با تاریخ سیاه آن به خوبی



میشناسند. از زمانی که خمینی "پدر ملت" آنها بود تا زمانی که نیروی مجاهد در خدمت صدام حسین بود و تا امروز که هر دولت جنایتکاری بخواهد مجاهد آماده خدمت به آن است، همگی چهره واقعی مجاهد را به عنوان عنصری ضد تمدن در سیاست ایران بر ملا کرده است. تردیدی نیست امروز که مردم ایران علیه فقر و بی حقوقی و علیه استبداد و فرهنگ مردسالار و قوانین متعفن اسلامی به میدان آمده اند، مجاهد، علیرغم هر غسل تعمیدی، همراه با جمهوری اسلامی پرونده اش بسته میشود.

اما و با همه این اوصاف در دوره ای که هر جریان گانگستری، هر گروه قومی و فالانژ مذهبی و قومی توسط دولت‌های امپریالیستی و دول مرتجع منطقه، مسلح شده و به جان مردم انداخته میشوند، نباید ظرفیت باند سیاهی آنها و کاربرد آنها را دست کم گرفت. امروز که دسته دسته مرتجعین به نام مردم ایران، به نام سنی، شیعه، کرد، عرب، بلوچ، ترک و... و زیر نام مبارزه با جمهوری اسلامی به دست و پا بوسی گانگسترهای ششلول بند همچون امثال ترامپ میپردازند، باید نه فقط ظرفیت ارتجاعی و سناریوی سیاهی آنها را جدی گرفت، که در افشای ماهیت آنها و ایزوله کردن و حاشیه ای کردن آنها یک ذره هم کوتاهی نکرد.

مرکب بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

رویدادهای سیاسی ...

دو خرداد و "اصلاح طلبان" پرچم اصلاح رژیم از درون بودند. قرار بود دولت "اصلاحات" با قوه مجریه و مقننه اش به رهبری سید خندان در چهارچوب خود رژیم، مردم را به مطالبات شان برساند. دیوار این توهم با آغاز اعتراضات وسیع دانشجویان و سرکوب خونین آنها توسط هر دو جناح در ۱۸ تیر ۷۸ فرو ریخت. جنبش سرنگونی متولد شد و مرگ جنبش دو خرداد اساسا از این تاریخ شروع شد. روشن شد که نمیتوان در چهارچوب جمهوری اسلامی به جایی رسید! امروز این حکم بیش از همیشه صدق میکند وقتی که محرومین در خیزش های دیماه گذشته با پرچم "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"، هر دو جناح جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده اند.

اما اعتراضات سرنگونی طلبانه ۱۸ تیر ۷۸ مستقل از سرکوب خونین آن توسط هر دو جناح جمهوری اسلامی، قربانی افق و اهداف اپوزیسیون راست هم شد. اپوزیسیون متشکل از ناسیونالیست های عظمت

طلب ایرانی و قوم پرستان ترک و کرد و عرب و ... با حمایت گسترده رسانه هایی چون بی بی سی و سی ان ان که راه عبور از جمهوری اسلامی را همچون همین امروز، به دخالت غرب به رهبری آمریکا پیوند زدند. این بخش از اپوزیسیون شامل انواع و اقسام نیروهای سیاسی راست جامعه، از مشروطه خواهان و سلطنت طلبان، جبهه ملی، جمهوری خواهان لائیک گرفته تا لشکر روشنفکران و ژورنالیست ها بود. بخشی از اینها تلاش زیادی کردند که جنبش سرنگونی را در محدوده دو خرداد متوقف کنند و بخش دیگر آن، توهم به نیروی نجات بخش غیبی (آمریکا) را دامن زد. پرچم رفتانم، پرچم امید به تحریم اقتصادی و فشار آمریکا، امید به ارتش بجای سپاه پاسداران، امید به آخوند خوب بجای آخوند بد و ... امید به همه چیز جز ضرورت سازمان یابی و اتحاد مردم و دست بردن به قدرت از پایین کل اهداف اپوزیسیون راست بود که ۱۸ تیر را به شکست کشاند. این جنبش به طور واقعی قربانی اهداف راست شد. توسل به "شلوغی" صرف و دخالت امریکا

محور شد.

اما آنچه ۱۸ تیر ۷۸ را به خیزش های دیماه گذشته محرومین و جوش و خروش جاری در جامعه ایران مرتبط میکند این واقعیت است که جامعه ایران، خیل محرومی که با مطالبات فروکوفته شان آشکارا به مصاف دولت و هیات حاکمه رفته اند، باید همزمان در مقابل نقشه ها و طرح های اپوزیسیون راست نیز سد محکمی ببندند. اینها دوستان دروغین مردم اند. اینها بیش از آنکه کمکی به انداختن جمهوری اسلامی کرده باشند، به این نظام احساس قدرت داده اند.

باید امکان مانور دادن از این اپوزیسیون را گرفت. این پدیده، اما تضمین شده نیست. این امر یک حزب، کار حزب ما، کار فعالین کمونیست، امر رهبران طبقه کارگر، کار آزادیخواهان، کار رهبران جنبش زنان و امر فعالین جنبش حق انسان است که چنین تحولی را تضمین کنند. این اتفاق خود بخود رخ نخواهد داد. بدون رهبرانی که افق و ملزومات پیروزی را میشناسند هیچ اعتراض و خیزشی راه به جایی نخواهد برد و سیکل دیگری مشابه ۱۸ تیر تکرار خواهد شد. امروز و به طور

مشخص بعد از خیزش های دیماه گذشته، ابعاد یک جنبش سرنگونی در جامعه نمایان شده است. جامعه ایران آستن اتفاقات جدید، و تحولات شگرفی است؛ اما اینکه رهبری چنین تحولات بنیادینی به دست ما کمونیستها خواهد افتاد کاملا به همت فعالین کمونیست و طبقه کارگر و فعالین حزب حکمتیست بستگی دارد. تلاش ما این است که این طیف هرچه بیشتر متحزب و متشکل و وسیع تر گردد.

سازمان دادن اعتراض مردم، تعریف معنی سرنگونی برای مردم، متحد و قدرتمند کردن طبقه کارگر و حزب و رفتن به سمت سرنگونی هرچه سریعتر جمهوری اسلامی، هدف ماست؛

بازکردن چشم مردم به منافعشان، درست کردن شبکه های قدرت مردم، درست کردن حزب و شبکه های کمونیستی و مبارزاتی در ایران و جلب آنها به یک پلتفرم، متحد کردن نیرو و آماده بودن برای هر شرایطی که اگر احیانا اتفاقی هم خارج از کنترل ما افتاد آنقدر صف طبقه کارگر و کمونیستها و آزادیخواهان قوی باشد که مانع از هم پاشیدن مدنیت جامعه شود. این کار تنها با قدرت طبقه کارگر و با قدرت نیروی حزب ما میسر است؛ تنها چنین قدرتی میتواند جامعه را برای همیشه از شر جمهوری اسلامی نجات دهد. "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی"، که توسط حزب حکمتیست منتشر شده است به چنین نیرویی اتکا دارد.

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایط امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

مرکب بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

شماره حکمت

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی) منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است.

معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

۱ - اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی

۲ - انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها .

۳ - انحلال کامل وزارت اطلاعات.

۴ - قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.

۵ - مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.

۶ - انحلال کلیه "حوزه های علمیه"

۷ - دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸ - مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیرویی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹ - اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

۱۰ - لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱ - اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، حزب و اعتصاب.

۱۲ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳ - اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۱۵ - لغو مجازات اعدام.

۱۶ - دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۱۷ - لغو تمام پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۱۸ - لغو تمام کمکهای مالی و نظامی به دسته های قومی و مذهبی

۱۹ - لغو دیپلماسی سری

۲۰ - تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

۲۱ - ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۲۲ - برگزاری فراندنم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این فراندنم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسسی، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) همه مردم آزادیخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلاي دارودسته های ارتجاعی و باند سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی) فوریه ۲۰۱۸ - بهمن ۱۳۹۶